



# همبستگی هفتگی

# ۲

۱۸ خرداد ۱۳۸۰

۸ ژوئن ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

## امروز روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی است!

سر مقاله!

است، جعل است، که ایران امن نیست. برای ما زنان، برای کودکان، برای آزادخواهان، برای جوانان برای همه ما مردم ایران زندان است و بشنید طنین پرقدرت صدای این جنبش را! دیگر کسی نمیتواند ما و جنبش ما را نادیده بگیرد، ما به میدان آمده ایم! ما اینجا هستیم!

روز ۱۸ خرداد روز نمایش قدرت و عزم ما برای سرنگونی این رژیم و شکست این مسخره بازی قلابی است! مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی و برابری!

انتخابات اصلاح طلبان در ایران به کسی فروخت، روز ۱۸ خرداد روز نمایش انتخاب مردم برای ازمیان برداشتن این حکومت و انتخابات قلابی اوست. مردم فریادهای خشمگینانه این جنبش را در داخل و بیرون در خارج کشور رو به افکار عمومی خواهند شنید که ای مردم: بدانید که ما کل این حکومت را نمیخواهیم، ما مردم این نمایش مضحک را به محل تجمع و اعتراض خود بدل کردیم، بدانید که اصلاحات حکومتی در ایران دروغ

قرارهایشان را گذاشته و امروز با حضورشان خشم و انزجار خود علیه این رژیم را فریاد میکشند. در این روز در خارج کشور دوربینهای فیلم برداری کمپانیهایی که چندین سال است چیزی به جز دروغ و جعل حقایق تحویل مردم نداده اند، مجبورند صدای حق طلبی این مردم و فریاد نه به این حکومت و نمایش تقلبی اش را منعکس کنند. دیگر نمیتوان روز ۱۸ خرداد را برای احترامش به دمکراسی و بازی

امروز در داخل و خارج کشور روز اعتراض است. امروز در حالی پناهجویان این نشریه را در دستان خود میگیرند که مشتها علیه این رژیم گره شده و صدای زنده باد آزادی و مرگ بر رژیم اسلامی در خیابانهای اطراف مراکز جاسوسی رژیم، سفارتخانه ها و مراکز برگزاری این نمایش تقلبی در خارج تا دور دستها شنیده میشوند. پناهجویان زیادی علیرغم دوری راه، علیرغم پرداخت هزینه های گزاف رفت و آمد از روز قبل قول و

### همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سر دبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

دکس: 00 358 631 542 53

mehrnoush@aol.com

tavakoli@hotmail.com

### صدای همبستگی

شنبه ها در

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۳۳۵ و ۱۱۹۰۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

به

فدراسیون سراسری

پناهندگان

کمک مالی

کنید

همبستگی هفتگی را

تکثیر و پخش کنید

### فدراسیون سراسری پناهندگان

را بیشتر بشناسید!

در شماره قبل همبستگی هفتگی ما به توضیح اهداف و سیاستهای فدراسیون پرداختیم، در این شماره میخواهیم شما را با نحوه کار و فعالیت فدراسیون آشنا کنیم. فدراسیون سراسری پناهندگان در رأس خود از یک دبیرخانه مرکزی تشکیل شده است. دبیر فدراسیون که در همین شماره از نزدیک با او آشنا میشوید، وظیفه هدایت و رهبری فدراسیون و هماهنگی کار دبیرخانه مرکزی را به عهده دارد. اعضا دبیرخانه مرکزی همه فعالین اصلی تشکیلات

سراسری فدراسیون در سراسر دنیا هستند و در واقع مثل جمع هیئت مدیره همبستگی، مسئولیت پیشبرد امور این تشکیلات را به عهده دارند. در همین شماره شما را با نام این افراد و مسئولیتهایشان آشنا میکنیم. مجموع کارهایی که افراد دبیرخانه فدراسیون به عهده دارند از این قرار است: مسئولیت انتشار نشریه ماهانه همبستگی، مسئولیت مشاوره حقوقی مردم در جهت امور پناهندگی در سراسر دنیا،

صفحه ۲

### چگونه از ایران فرار کردیم

و داستان زندان بازداشتگاه فرودگاه!

صفحه ۲

### رویدادهای مهم پناهندگی هفته

صفحه ۳

### از نزدیک با مریم نمازی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان!

صفحه ۳

### در دفتر فدراسیون در فرانکفورت آلمان چه میگذرد!

صفحه ۴

## مرگ بر جمهوری اسلامی

## چگونه از ایران فرار کردیم و داستان زندان بازداشتگاه فرودگاه!

دست خواهیم داد. به این ترتیب و با فشار خودمان با این پیش شرط که من پس از زایمان به همراه شوهرم و بچه ها پس فرستاده خواهیم شد از زندان فرودگاه مرخص شدیم. ما در مجموع نزدیک به دو ماه در بازداشتگاه بودیم. با وجودیکه ۳ فرزند دیگر هم دارم و همیشه در دوران بارداری آرزو داشتم هرچه زودتر کودکم را به دنیا بیاورم این بار آرزو می‌کردم که فرزندم هیچ وقت به دنیا نیاید تا ما وادار به اخراج نشویم. پریا به دنیا آمد و ما با خطر اخراجمان مقابله کردیم. در هایم موقت پناهاندگی فعالین فدراسیون و کادرهای حزب کمونیست کارگری را شناختم. به کمک آنها به وکلای مختلف مراجعه و یاد گرفتیم، چطور بجنگیم. تحصن ها و اعتراضات مختلف و ایستادگی ما باعث شد اداره فدرال آلمان از اخراج ما صرف نظر کند. ما یا گرفتیم که معنی دمکراسی اینها هم چیست و فقط محکم گرفتن خود ما و دفاع از حقمان میتواند واقعاً زندگی ما را نجات دهد. پس از آشنایی ما با فعالین فدراسیون زندگی ما ۱۸۰ درجه چرخش کرد. آنها یار و یاور مادر این شرایط سخت بودند.

مامان ما که ساکت بودیم شلوغ نکرده چرا ما را زندانی کردند؟ تقاضای پناهاندگی ما همانجا رد شد و خود آنها برای ما وکیل گرفتند که روی ردی ما اعتراضیه بزند، استیناف ما هم رد شده و به ما میگفتند باید خاک آلمان را ترک کنید و به پاکو برگردید، این مساوی بود با بدبختی و بیچارگی ما و کودکان خردسال ما و از دست دادن همه چیز و این معنی جز نابودی کامل ما نداشت.

ما دست به اعتراض زدیم و گفتیم که ما را بکشید به آن جهنم برنمیگردیم. بچه ها در این زندان هیچ جوابی برای سؤال اینک که چرا ما را اینجا آورده اند، پیدا نمی‌کردند. هر روز تعدادی را روی زمین کشیده دستبند زده برای اخراج میبردند و خبر دیپورت ما باعث شد که من و بچه ایی که در شکم داشتم نتوانیم تحمل کنیم من به خونریزی دچار شدم و هیچ دکتری حاضر به بستری کردن من نبود چون که برای آنها خرج داشت، بالاخره یک بیمارستان حاضر به بستری کردن من شد و نتیجه این بود که در صورت اقامت مادر زندان بازداشتگاه من کودکم را از

درست شده و به آلمان پرواز میکنیم. در نیمه شب سرد باکو ساعت ۲ به فرودگاه رفتیم، از ترس و نگرانی قلبم به شدت میزد و همراه من احساس می‌کردم که جنینی که در رحم داشتم هم این رنج را احساس و به همین خاطر هم درد شدیدی احساس می‌کردم. این بار ما نتوانستیم به دلیل اشکال ویزای ما در پاسپورت پرواز کنیم و به خانه برگشتیم و من مجبور بودم از خودم بیرسم چند بار دیگر قرار است ما این هراس را تکرار کنیم.

۴ روز بعد همراه دردهایی که از سرم و رحم داشتم بالاخره پرواز کردیم و به فرودگاه فرانکفورت رسیدیم، ما از هیچ چیز اطلاع نداشتیم حتی نمیدانستیم پناهاندگی یعنی چه! قاچاقچی از بی اطلاعی ما سواستفاده کرده گفته بود در سالن ترانزیت آنقدر میشینید تا کسی دنبالتان بیاید، پاسها را تحویل و شما را برای خروج راهنمایی کند. ساعت‌های طولانی انتظار ما به پایان رسید، کسی نیامد و ما از سر استیصال خود را معرفی کردیم و فوراً ما را به اتاقی بردند که ۵۰ نفر دیگر هم بودند. پسر گفت

مدتی آنجا بمانیم تا ترتیب آمدن ما به یک کشور پناهنده پذیر داده شود. در یک آپارتمان ۲۵ متری باید ما و همچنین کسان دیگری که سرنوشتی مشابه ما داشتند با هم زندگی کنیم. خانه ایی با حداقل امکانات و نبودن حتی آب گرم، من در آنوقت حامله و در شرایط بسیار بدی از لحاظ روحی به سر میبردم. از تغذیه مناسب که حتی بچه ها نتوانند سیر شوند، خبری نبود.

قرار بود ما فقط ۲۰ روز بمانیم که به ۸۰ روز کشید. فشار عصبی قاچاقچی روی ما که مدام از ما اخاذی و به بهانه های مختلف از ما پول بیشتر و بیشتری میخواست تشدید شده بود، از خانه اجازه خروج نداشتیم و بچه ها در یک شرایط هولناکی بودند.

من کم اشتها و عصبی بودم و نمیتوانستم بخوابم و به بیماری عفونت رحم دچار شدم. هربش کابوسهای وحشتناک میدیدم و دچار سر دردهای غریبی شده بودم. من به خاطر مخفی بودن و هزینه سرسام آور حتی پیش دکتر هم نمیتوانستم بروم. بالاخره یک روز به ما خبر دادند که آماده باشیم که کارمان

کبری هوشمند و غلامرضا شهبایی، ما به همراه ۳ کودک خود و نوزادی که هنوز بدنیا نیامده بود سال ۷۷ ایران را ترک کردیم. فشارهای سیاسی گرفته تا فشار فقر و محرومیت های اجتماعی که بویژه دامن خانواده های پرجمعیت را در ایران هرروزه میگیرد، عامل اصلی فرار ما از ایران بود. اخراج غلامرضا از کشتی رانی، ۵ سال بیکاری و دربه در دنبال معاش بودن و حق اعتراض به این وضع اسفناک را نداشتن زندگی ما و کودکان ما را در چنگال خودش گرفته بود.

برای خروج از کشور ما باید هست و نیست خود را ریسک میکردیم، خروج یک خانواده ۵ نفری هزینه بسیار بالایی برای ما داشت. مامجور شدیم خانه و تمام وسایل زندگیمان را به حراج بگذاریم و تازه مبلغی هم قرض کنیم تا پول خروج از کشور را بپردازیم. مخالفت و ریشخند فامیل از یکسو و نگرانی ما از یک آینده نامعلوم اعصابی برای ما نگذاشته بود. از طرف قاچاقچی برای ما ابتدا از طریق پاکو آذربایجان این سفر ترتیب داده شد، قرار شد ما

از صفحه ۱

## فدراسیون سراسری پناهندگان را بیشتر بشناسید!

پیدا کنید. آدرس این سایت در همین شماره همبستگی هفتگی درج شده است. صدای همبستگی به صورت پخش برنامه هفتگی فدراسیون در روزهای شنبه یکی دیگر از اقدامات فدراسیون و ابزارهای او در جهت پیشبرد سیاستهای ماست. از طریق رادیو بویژه مردم در ایران با مسائل و امور پناهاندگی آشنا و به سئوالات آنها از طریق رادیو جواب داده میشود. مادر شماره های آتی شمارا بیشتر با همبستگی آشنا خواهیم کرد.

فقط پناهجویان به حقوق خود آشنا و راهنمایی میشوند بلکه از طریق این دفاتر مبارزه برای کسب حقوق پناهجویان هم در محل سازماندهی و هدایت میشوند، علاوه بر این دفاتر ما پاتوق رفت و آمد و سرزدن مردم و محل تماس مردم با ما و با یکدیگر میباشد. همبستگی همچنین در سطح سراسری ارگانهای تبلیغی مختلفی را سازمان داده است. علاوه بر همبستگی هفتگی که از هفته پیش انتشار آن را آغاز کرده است، یک نشریه ماهانه همبستگی به سردبیری کیوان جاوید منتشر میکند که مسائل مهم پناهاندگی و مسائل سیاسی و اجتماعی مربوط به ایران و زندگی پناهجویان در

مسئولیت مشاوره حقوقی زنان پناهجو، مسئولیت پیشبرد امور مالی فدراسیون، مسئولیت رسیدگی به وضع پناهجویان در کشورهای هم مرز با ایران، مسئولیت سرزدن و رسیدگی به امور تشکیلات فدراسیون در همه کشورها، مسئولیت تبلیغات فدراسیون و ۰۰ این ها از جمله کارها و مسئولیتهایی است که در دبیرخانه مرکزی فدراسیون افراد بنابه توانایی و اشتیاقشان به انجام این کارها سازمان داده شده اند.

بر همین اساس هم در هر کشوری یک نفر به انتخاب کنفرانس سراسری اعضا همبستگی در همان کشور، به عنوان دبیر فدراسیون در محل انتخاب و دبیرخانه ایی را براساس همین



## رویدادهای مهم پناهندگی هفته



شهناز مرتب

## در دفتر فدراسیون در فرانکفورت آلمان چه میگذرد!

دفتر شهر فرانکفورت در آلمان یکی از دفاتر پرکار ماست که مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفته و حتی بعضاً مردم از ایران با مسئولین دفتر تماس و خواستار راهنمایی هستند. شهناز مرتب مسئول دفتر و یکی از همکاران فدراسیون در منطقه راین ماین است. ما مصاحبه ای با شهناز مرتب داریم که در این شماره همبستگی آن را میخوانید. ما از این پس در هر شماره همبستگی، به معرفی دفاتر فعال و شناخته شده همبستگی و همچنین انتقال تجارب آنها از طریق فعالینشان میپردازیم.

**همبستگی: شهناز مرتب اگر ممکن است به ما بگویید که در دفتر فدراسیون در شهر فرانکفورت شما پذیرای چه کسانی هستید، چه کسانی به شما مراجعه میکنند؟**  
 شهناز مرتب: کسانی که به ما مراجعه میکنند عمدتاً پناهجو هستند، غالباً جوانان و زنان که مسائل و مشکلات مختلف پناهندگی دارند. کسانی که تازه از ایران آمده اند و یا مدت‌هاست که اینجا هستند و هنوز جواب نگرفته و یا رد شده اند و یا حتی کسانی که هنوز تقاضای پناهندگی نکرده و مشورت و راهنمایی میخواهند.  
**همبستگی: چه خدماتی دفتر فرانکفورت به پناهجویان میدهد؟ همکاران شما چند نفر هستند؟ شهناز مرتب: خدماتی را ما در**

آدرس ما دهان به دهان توسط خود پناهجویان گفته میشود، در اثر سالها کار فدراسیون اعتماد و اعتبار زیادی در میان مردم کسب کرده و شناخته شده ایم. ما در آینده ای نزدیک در شهر فرانکفورت مجبور خواهیم شد، به علت مراجعات زیادی که به ما میشود دفتر دیگری را هم باز کنیم، تا یادم نرفته برای دوستانمان در ایران بگویم که کلیه خدمات دفاتر ما در سراسر دنیا مجانی است.

**همبستگی: بهترین خاطره شما در جریان کار و فعالیت در این دفتر چه بوده است؟**  
 خاطرات خوبی که در این مدت داشته ام خیلی زیاد هستند ولی من به آخرینش اشاره میکنم. حدود دو ماه پیش از طرف خانواده یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران با خبر شدیم که پسرشان علیرضا عباسی دستگیر شده و به بازداشتگاه منتقل شده است، هدف این بود که او را به ایران

استرداد کنند. در رابطه با وضع او حتی وکیلش که یکی از وکلای سرشناس میباشد قطع امید کرده و در واقع پرونده را بسته شده اعلام کرده بود. بلافاصله ما با شنیدن این خبر از طریق دفترمان بسیج شدیم و اقدام کردیم. اکسیون اعتراضی در مقابل بازداشتگاه، نامه های

### کمپین های علیه انتخابات اسلامی!

از سوی همبستگی در سراسر دنیا پناهجویان به مقابله با انتخابات رژیم فراخوانده شده اند.

**آلمان:** به دعوت همبستگی در آلمان، پناهجویان علیه انتخابات رژیم و اخراج دست به

تحصن زدند. از روز ۵ ماه جون، به دعوت فدراسیون سراسری پناهندگان در آلمان پناهجویان در شهر بوخوم دست به یک تحصن دوهفته ایی زدند. محل تحصن پناهجویان با پلاکاردهایی مزین شده است که روی آنها شعارهایی علیه جمهوری اسلامی، علیه اخراج و راسیسم نوشته شده است.

این تحصن موجب جلب توجه مردم و همچنین مطبوعات محلی شده است، تاکنون از سوی مطبوعات گزارشات و فیلم هایی تهیه شده که در آن پناهندگان و مسئولین فدراسیون به تشریح اوضاع سیاسی ایران و انتخابات قلابی حکومت پرداخته اند. این تحصن به مدت دو هفته ادامه دارد.

**هلند:** از روز ۴ جون از سوی همبستگی یک تور وسیع سخنرانی در کمپهای پناهندگی هلند سازمان داده شد. در این سخنرانی ها فرشاد حسینی معاون دبیر فدراسیون و فرزاد نازار دبیر فدراسیون در هلند در کمپهای پناهندگی مختلف بر علیه انتخابات اسلامی به صحبت پرداخته و پناهجویان را به شرکت در تظاهرات در مقابل سفارت رژیم در هلند فراخواندند، این تور سخنرانی مورد استقبال پناهجویان قرار

متعدد به وکیل و اداره امور پناهندگان از سوی ما، باعث شد تا علیرضا نه تنها به ایران برگردانده نشد بلکه آزاد شد، درست شب عید نوروز خاله علیرضا به ما زنگ زد و با خوشحالی مژده آزادی او را به من داد و این یک پیروزی برای ما بود.

**همبستگی:** ساعات کار دفتر و آدرس و تلفن های تماس شما کدام است؟

گرفت .  
**سوئد:** فدراسیون پناهندگان سوئد ضمن فراخواندن پناهندگان برای مقابله با انتخابات اسلامی، تلاش وسیعی را برای شرکت و برگزاری مبارزه و اعتراض علیه این نمایش سازمان و در دستور خود قرارداد.

### ۵۰۰ پناهنده ایرانی زبان در شهر اربیل عراق دست به تحصن زدند!

۵۰۰ پناهنده از ایران در روز ۳ جون در اعتراض به وضعیت غیر انسانی زندگی در کردستان عراق و بی مسئولیتی سازمان ملل در این منطقه دست به تحصن نامحدود زدند.

این پناهجویان در مقابل دفتر کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در شهر اربیل تجمع کرده و خواستار رسیدگی به این مطالبات خود شدند:  
 ۱- معرفی پناهندگان به سفارتخانه کشورهای پناهنده پذیروتسریع در انجام مصاحبه های موردنیاز برای انتقال آنان!  
 ۲- انتقال سریع کلیه پناهندگان به کشورهای ثالث!

۳- بهبود وضعیت زیستی و معیشتی پناهندگان تا اعزام به کشور ثالث!

دبیر خانه مرکزی فدراسیون با انتشار اطلاعیه ای ضمن حمایت کامل از این تحصن از همه مردم میخواهد که نامه های حمایتی خود را به این آدرسها مایل و یا فاکس کنند:

سازمان ملل در اربیل عراق:  
 سازمان ملل در ژنو:  
 فاکس: +۸۷۳۱۷۵۴۲۷۱  
 +۴۲۲۲۷۳۹۷۳۵۳

شهناز مرتب: روز های جمعه از ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر در آدرس:

**Eckenheimer Land Str. 93**

شماره تلفن  
**069- 5970 524**

**0172- 9716227**



از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان دیدن کنید

**www.hambastegi.org**

جدیدترین اطلاعیه های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

## از نزدیک با مریم نمازی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان!



### بیوگرافی مریم نمازی

مریم نمازی در سال ۱۹۶۶ متولد شد و در سال ۱۹۸۰ ایران را ترک کرده و اول در هندوستان برای دو سال، بعد انگلیس برای یک سال و بعد از آن در آمریکا زندگی کرده است. او فعالیتهای خود برای حقوق پناهندگی و بشر را در سال ۱۹۸۶ آغاز کرد. مریم برای دو سال (۱۹۹۰-۱۹۸۸) به سودان رفت و با کمیته نجات پناهندگان، با پناهندگان اتوبی و با برنامه توسعه سازمان ملل کار کرد. بعلاوه بوجود آوردن یک گروه مخفی علیه نقض حقوق بشر، از طرف دولت اسلامی سودان تهدید شد و سازمان ملل او را مجبور به ترک سودان کرد. بعد از بازگشت به نیویورک، بعنوان مسئول پناهندگی نیویورک و عضو هیئت اجرایی سراسری پناهندگی عفو بین الملل (۱۹۹۴-۱۹۹۲)، مسئول کلاسهای آموزشی رهبر سازی زنان پناهنده و سازمانهای پناهندگی با سازمان "کامبا" (۱۹۹۳-۱۹۹۱) فعالیت کرد. مریم در سال ۱۹۹۲، کمیته امداد انسانی به پناهندگان ایرانی (چیر) را بنیان گذاشت. او همچنین مسئول کلاسهای آموزشی برای فعالین حقوق بشر از کشورهای مختلف در دانشگاه کلمبیا (۱۹۹۴-۱۹۹۳) بود. مریم نمازی در سال ۱۹۹۴ برنامه فوق لیسانسش را در دانشگاه کلمبیا ترک کرد و با پولی که در شکایتی علیه پلیس نیویورک برای خشونت علیه وی در تظاهرات علیه جنگ خلیج

دانشگاه با سازمان عفو بین الملل آشنا و شروع به فعالیت کردم. بعد از تمام دانشگاه از طرف کمیته نجات بین المللی استخدام شدم (قبلش یک سال با آنان داوطلبانه کار کرده بودم). در این دوره خیلی دنبال آترناتیوی و راه چاره سیاسی برای مقابله با مشکلات و مسائل انسانیها گشتم - از ناسیونالیسم تا مذهب تا گروههای سیاسی متفاوت - (آن موقع حزب کمونیست کارگری را نمی شناختم) اما دیدم که هیچ کدام با یک معیار انسانی جور در نمی آیند. هیچ کدام از آنها روح جستجوگر مرا ارضا نمی کرد و پاسخ واقعی سئوالاتم را نداشت. مهرانوش موسوی: شما سال ۸۸ به سودان رفتید. چگونه و چرا به سودان رفتید. زندگی شما در سودان چگونه بود؟ چرا به آمریکا باز گشتید؟ مریم نمازی: اول می خواستم به پاکستان بروم و با پناهجویان افغانی و ایرانی کار کنم، اما این بدلیل مختلف جور نشد. بعد کاری در سودان با پناهجویان ایتیبوی برام مهیا شد و من برای دو سال به آنجا رفتم. زندگی در سودان خیلی سخت بود. اولین باری بود که از خانواده ام جدا شده بودم. امکانات کم بود. بدبختی زیاد و آزاردهنده و عیان بود. آنجا که بودم سیل آمد، حبابهای خاک همه جا را می گرفت، راسیسم بی سابقه ای علیه سیاهای جنوب را دیدم، میلیونها پناهنده در بدترین شرایط بسر می بردند، اما چیزی که بیشترین تاثیر را روی من گذاشت این بود که بعد از مدتی که آنجا بودم سودان اسلامی شد و با جمهوری اسلامی همکاری بسیار نزدیکی برقرار کرد. در سودان وحشیگری اسلام را خوب لمس کردم و به چشم دیدم. آن موقع من با سازمان ملل کار می کردم. با دو نفر دیگر یک سازمان زیر زمینی تشکیل دادیم و اخبار، بازداشتها، شکنجهها را غیر قانونی با پست سازمان ملل (که از طرف دولت چک نمی شد) به اطلاع خارج می رساندیم. اطلاعات سودان فهمید، دو بار مرا برای بازجویی فراخواند. چون مرا تهدید کردند،

مهرانوش موسوی: شما ۱۳ ساله بودید که از ایران خارج شدید، آیا خروج شما از ایران در این سن و ناملایمات ناشی از آن انگیزه فعالیتهای انسانی شما در زمینه مسائل پناهندگی بود؟ چه شرایطی زندگی شما را در آن دوره ترسیم میکند؟ مریم نمازی: انقلاب در ایران، خروج با خانواده ام بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، جنایات آن رژیم و مشکلاتی که در خارج با آن مواجه شدم، تاثیرات جدی بر زندگی و فعالیتهای من داشت. همانطور که روی زندگی همه به یک نحوی تاثیر گذاشت. در ضمن خانواده من هم روی افکارم تاثیر گذاشتند. مادرم (که راستی نیالی است) کسی است که همیشه برای کمک به دیگران در هر شرایطی دخالت می کند و پدرم کسی است که بی نهایت عادلانه است. آنها در حالی که چپ نبودند و نیستند، انسان بودن را به من یاد دادند. بنظر اما شرایط غیر قابل تحمل در این دنیا زیاد است، و انسانهایی که علیه این شرایط هستند، و بستگی دارد یک شخص چقدر بتواند و بخواهد از مبارزه تاثیر پذیرد، حقیقت و ریشه مشکلات را جستجو کند، بهبود زندگی خود را در گرو بهبود زندگی دیگران ببیند و مهمتر از هر چیز به آترناتیو انسانی و ریشههای برای حل آنها دست پیدا کند. مهرانوش موسوی: اجازه بدهید در اینجا پیرس در آمریکا چه می کردید؟ منظورم زندگی شخصی شما کار و تحصیل است؟ مریم نمازی: یک هفته قبل از تولد ۱۷ سالگی ام (۱۹۸۳) با خانواده ام به آمریکا رسیدم. پدرم شنیده بود که دارند اقامت می دهند! قبیلش در هند و انگلیس بودیم اما اجازه اقامت را نتوانستیم بدست بیاوریم. بهررو ۳ ماه بعد از رسیدن به آمریکا در دانشگاهی در رشته امور بین المللی شروع به تحصیل کردم. در این دوره من در جاهای مختلف مانند "مکدانلد"، یک سوپرمارکت ۲۴ ساعته و در کتابخانه دانشگاهم کار می کردم تا لیسانس را گرفتم. در

